

معرفی مجموعه ای از آثار حضرت نقطه اولی

محمد افنان

از آثار مبارکه حضرت نقطه اولی مجموعه های خطی متعددی باقی مانده که بعضاً به علت آنکه به خط مبارک و یا استنساخ کاتبان موثق است از اعتبار زیادی برخوردار است. یکی از این مجموعه ها که تحت شماره ۹۱ در سلسله انتشارات INBA در شهرالشرف ۱۳۳ بدیع از نسخه اصلی نسخه برداری شده حائز اهمیّت و اعتبار مخصوص است که جا دارد با دقت و توجه بیشتری مورد تحقیق و مطالعه قرار گیرد.

اگرچه در این مجموعه، بجز در صفحه اخیر که بتاریخ استنساخ تصریح شده، هیچ گونه اطلاعی از قبیل فهرست محتویات و یا علت و کیفیت تنظیم و جمع آوری دیده نمی شود، و حتی از نام نسخه بردار نیز ذکری نشده، ولی به علت قرب زمان نسخه برداری که نهم ذیقعدۀ ۱۲۶۱ قمری است و تخمیناً یکسال و نیم بعد از اظهار و اعلان امر جدید است، تقدّم و اصالت نسخه را می توان معلوم داشت و شاید این نسخه اولین استنساخ مدوّن از توابع مندرج در آن باشد و محتملاً منحصر به فرد است.

در اوائل ظهور، نظر به مخالفت و عناد عمومی نسبت به امر الهی که همگان از عالم و عامی و سلطان و رعیت به آن مبتلا بود، آثار و الواح مبارکه غالباً به صورت مجموعه های بی نام و عنوان و

حتی بدون ذکر مخاطب و موضوع رونویسی میشد تا از جلب توجه کاسته شود و به همین سبب حتی اولین نسخ چاپی آثار مبارکه نیز بی نام و نشان است.

به احتمال زیاد این نسخه در شیراز استنساخ شده و با آنکه ذکری از نسخه‌بردار نیامده احتمال بر این می‌رود به خط جناب شیخ حسن زنوزی است که از همان ابتدا تا ایام اخیر قبل از شهادت به استنساخ آثار و توقیعات مبارکه مأمور بوده است.^۱

حضرت نقطه در شعبان ۱۲۶۰ شیراز را به قصد حج ترک فرمودند و در اواخر محرم ۱۲۶۱ و یا ماه صفر حجاز را ترک کردند و بعد از توقف در نقاط مسیر، مخصوصاً در مسقط، در اواخر جمادی‌الثانی ۱۲۶۱ به شیراز ورود فرموده‌اند. از قلم فیاض حضرت نقطه‌اولی در تمام ایام سفر حج آثار و توقیعات متعدده نازل ولی این مجموعه فقط حاوی چهل و دو اثر است که اکثراً در مسیر رجوع هیکل مبارک از سفر و یا اوائل ایام شیراز و بعد از استقرار در آن شهر نازل شده است، و بالطبع به وقایع آن دوره صراحت و اشاره فراوان دارد. در همین اوقات است که میرزا ابراهیم شیرازی، ملا عبدالعلی هراتی، و ملا جواد قزوینی که مظاهر عجل و جسد و خوار معرفی شده‌اند^۲ به مخالفت با امرالله برخاسته‌اند.

هویت این سه نفر، به غیر از ملا جواد، دقیقاً معلوم نیست. ملا جواد مزبور خاله‌زاده حضرت طاهره و کسی است که وسیله‌آشنائی معزی‌الیها با تعلیم جنابان شیخ احمد و سید کاظم شده و در ابتدا به امر حضرت ربّ‌اعلی مؤمن گشته، ولی بعداً به علت وقوع بداء در تشکیل اجتماع مؤمنان در عتبات از امر اعراض کرده است. از ملا عبدالعلی اطلاعاتی در دست نیست، ولی احتمالاً از طلاب و شاید از اهل هرات که یکی از قصبات بین فارس و یزد است می‌باشد. میرزا ابراهیم که طبق اطلاعات موجوده محرک و منشأ مخالفت است و شیرازی است با خاندان هیکل مبارک آشنائی و سابقه بیشتری دارد و حتی ممکن است با خانواده پدری هیکل مبارک وابستگی داشته باشد. ظاهراً مشارالیه تمایلات شیخی داشته است.

در این مجموعه توقیعی عنواناً خطاب به میرزا ابراهیم نامی وجود دارد که گرچه معلوم نیست همین شخص است یا نه، ولی مطالب آن با مخالفتها و اعتراضات او شباهت و تناسب دارد. اعتراضاتی که در اوائل عهد اعلی اساس مخالفتهای دشمنان امر الهی است در این خطاب مبارک بحث و

فصل شده است. محتملاً عنوان مزبور به تناسب ارتباط مطالب با میرزا ابراهیم و همدستان اوست و گرنه توقیع مزبور در مراجع دیگر به نام جناب خال اصغر ذکر شده است.

فهرست زیر صورت مخاطبین توقیعات مندرج در این مجموعه بر حسب عناوین است و به اهمّ مطالب نیز اشاره‌ای شده است:

۱- **خطّ ملا حسین** (صص ۱-۶): در این توقیع مبارک حضرت ربّ اعلیٰ اولّ مؤمن (جناب ملا حسین) را به عنوان مرجع اهل ایمان برای جواب به سئوالات و به عنوان شاهد و نصیر اهل ایمان تعیین میفرمایند و به علّت ناسپاسی مردم نزول و تنزیل آیات بدیعه به مفهوم اظهار امر جدید و تشریح شرع تازه را به مدّت پنج سال به تأخیر می‌اندازند، یعنی ناس را از آن محروم میدارند. علّت این محروم داشتن مخالفت عموم با ظهور مبارک و ضمناً قیام علماء در کربلا و نجف بر دشمنی با امرالله و حبس و ردّ و تکفیر جناب ملا علی بسطامی است که نهایتاً به فسخ عزیمت حضرتش به برگزاری اجتماع مؤمنین در عتبات منجر شد. ضمیمه این توقیع تعدادی احادیث از امیرالمؤمنین حضرت علی و بعضی از ائمه اطهار مذکور شده که اشاره به فساد علماء در هنگام ظهور و امتحان اهل ایمان و ضرورت تقیه بر حسب احادیث اسلامی دارد.

۲- **الکتاب الوارد علی کتاب الحاج میرزا حسن خراسانی** (صص ۶-۱۰): این توقیع متضمّن اظهار امر به کمال صراحت است و به نزول آیات و کتاب از جانب بقیّة‌الله تصریح شده و آثار نازله را "آیات بدع" و ایمان به آن را واجب فرموده است. این توقیع متضمّن عنایت خاصّ به مخاطب و مؤمنین اولیه است و او را به ابلاغ امر مأمور میفرمایند. در آخر توقیع نیز خطاب عنایتی به خال شده است. حاجی میرزا حسن خراسانی از دوستان جناب ملاحسین و توسّط معزی‌الیه تبلیغ شده و محتملاً در آن ایام به ملازمت جناب ملاحسین به شیراز رفته است. حضرت نقطه در این توقیع امر فرموده‌اند یکی از اهل ایمان در خانه جناب سید کاظم مجلس درس ایشان را همچنان برقرار دارد و امر بدیع را تدریس و تعلیم نماید و محتملاً بر اساس این اشاره جناب طاهره به تأسیس مجلس درس در کربلا اقدام نموده است و کتاب قیوم‌الاسماء را تدریس و تفسیر میفرموده است. مطلب جالب در این توقیع اشاره به اعتراض علماست که آیات حضرت باب مأخوذ از قرآن است و به این نکته تصریح میفرمایند که اگر اراده و اذن الهی میبود بی‌شک در هر مطلبی همانند قرآن آیات نازل میشد که میتوان از آن چنین استنباط کرد که کلام خود را همتراز قرآن و تحقّق

بشارت اسلامی معرفی فرموده‌اند که در حدیث آمده که "ان فی قائمنا اربع علامات من اربعة نبی ... و العلامة من محمد یظهر بأثار مثل القرآن."

۳- **خط الكوفه لملاحسين قد ارسلت من المدینه فی قرب العاشور من الشهر المحرم عن سنه ۱۲۶۱** (صص ۱۰-۱۴): این تویق اهمیت مخصوصی دارد، زیرا متضمن اظهار بدهاء در اجتماع احباء در عتبات و امر به مؤمنین سابقین به هجرت و سفر به ارض مطهره بلد الامن (شیراز) می‌باشد و مخصوصاً به تقیه و اجرای آن توصیه فرموده‌اند. ضمناً به حج بیت شیراز اشاره می‌فرمایند.

۴- **خط ملاحسين من بوشهر** (صص ۱۴-۱۸): این تویق مهمی متضمن تجدید اظهار امر به صراحت کامله است و در آن این آیه مبارکه نازل "و ان کلّ من سمع حکم هذا الامر لن یقبل من عمله شیئی الا ان یدقّ بآیات ربک و کان من الموقنین. و ان الدین فی ذلک الیوم حکم بقیة الله من لدن عبده فی کتاب مبین." ضمناً در این تویق مجدداً ذکر اخذ آیات از قرآن مجید آمده است. حضرتش ضمن ردّ این مطلب تصریح می‌فرمایند که حتی یک آیه از کتاب (قیوم الاسماء) با آیات همه انبیاء معادل است و به این نکته اشاره می‌فرمایند که اگر قرآن حتی منحصر به یک آیه بود، آیا در حجّت و اصالت با نزول آیات متعدده فرقی می‌داشت. در این اثر نیز حکم حجّ بیت مبارک در بلد امن (شیراز) تصریح شده است و در آخر آن چنین نازل "ارجع الی حکم ذکر بدیع ان ارجع الی فانّ الحکم قد بلغ شرق الارص و غریها و انّ حجة الله بالغة الی کل الخلق اجمعین و ما یحلّ لاحد ان یأول آیات الکتاب بعلمه قل فاسئلوا منی کل ما تحبون و مالا تعلمون."

۵- **خط میرزا سید حسن من بوشهر** (صص ۱۸-۲۳): این تویق متضمن مباحث و مطالب عدیده بدیعه است و در آن اظهار امر و اتمام حجّت به مخاطب شده است. در قسمتی از آن چنین نازل "و اعلم بانّ حکم حرف من آیاتنا لم یعدل ملک الآخرة و الاولی بحکم ربک فی الکتاب لانه تنزیل من امام کریم. لن یحیط بعلمه الا ماشاء انه لغنی حمید و ما هو الا عبدالله امام من الله رب العالمین ان اتبع ذکر اسم ربک العلیّ الکبیر ان اتق الله فی ذلک الامر لقسم لو یعلمون الناس عظیم عظیم الا ان حکم هذا البحر انیق و انه لعریق عمیق و ان حکم هذا الصراط دقیق دقیق. بلغ ذلک الکتاب الی علماء العدل فان حجة الله بالغه علی الناس اجمعین ... و لقد نزلنا کتاباً

الی العلماء لعلهم يتذكرون بآياتنا و كان من الموقنين اقرء كتاب الملوك لدى الرسول فإنه لكتاب حق كريم."

ظاهراً مخاطب این توقیع حاجی میرزا سید حسن، عموزاده مادر هیکل مبارک و برادر حرم محترمه است که تا زمان ظهور جمال اقدس ابهی به ایمان و یقین کامل در امر بدیع موقّق نبوده است، ولی در دوره جمال قدم به ایمان عمیق ممتاز و مورد عنایت مظهر امر و مدّتی در اواخر حیات نیز طائف و ملازم حضور مبارک بود. معزّی الیه قبل از ظهور در سلک طلبّ بوده و به طریقه شیخیه می‌رفته است، ولی بعد از ظهور ترک این رویه نموده و به تجارت مشغول شده، ولی همچنان علاقه و تعلق به کسب معارف و کمالات را ادامه می‌فرموده است. ظاهراً بیانات مبارکه زیر ناظر به همین مسائل است که در همین توقیع می‌فرمایند: "و انا لنعلم حکم ما أنشأت فی علم الاصول ان اتكل على الله و امح الكتب كلها و خذ عطاء ذکر اسم ربك هذا و كن من الشاكرين ... و لكل من صدق بآياتنا فرض ان يمحو كل ما كتب القوم الا بعضاً من آيات البابين [جناب شیخ احمد و جناب سید کاظم] من قبل حکم البدع و ان ذلك حکم عدل من لدن امام حیّ عظیم."

۶ - **خط ما فصلت فی المدینه الی امام حنفی** (صص ۲۳ - ۲۵): این توقیع در حقیقت خطاب به اهل مدینه، یعنی دومین شهر مقدّس اسلامی است و متضمّن اتمام حجّت و ابلاغ امر جدید است. آیات زیر بر این مطلب دلالت تام دارد: "ان ربکم الله خالق کلّ شئی لا اله الا هو. قد فصل احکام هذا الكتاب فی الفرقان من قبل لعلکم بقاء الله تؤمنون و ما يشهد الله للظالمين الا كلمة الشرك ... من آمن بالله و آیاته و اتبع حکم هذا الكتاب فقد اهتدى و من ضلّ فانما يضلّ لنفسه و كان الله ربك لغنى عن العالمين جميعاً ... لو اجتمع الناس على ان يأتوا بمثل آیه من آیات ذلك الكتاب لن يستطيعنّ و لن يقدرنّ ولو كان الكلّ على البعض ظهيرا."

۷ - **خط مکه الی شریف سلیمان** (صص ۲۵ - ۲۸): مخاطب این توقیع اهل مکه و اتمام حجّت الهی بر آنان است، که اگر همه مردم جمع شوند به اتیان همانند کتاب حضرتش قادر نخواهند شد که "قل لو اجتمع الناس على ان يأتوا بمثل هذا الكتاب لن يستطيعنّ و لن يقدرنّ ولو كنّا نمذهم عدل انفسهم و كفى بالله شاهدا و نصيرا." و سپس اتمام حجّت می‌فرمایند که آنانکه به آیات الهی کفر ورزند و ایمان نیاورند بگو برهان خود را آشکار سازند و اگر نتوانند، که یقیناً هم نخواهند توانست، جا دارد که به حجّت الهی ایمان آورند. این توقیع با آیه زیر آغاز میشود که "انّ

هذا کتاب قد نزلت باذن ربک من لدن علیّ حکیم. " اسماء مبارکه علیّ و حکیم از اسماء الهیه وارد در قرآن و در اینجا اشاره به هیکل مبارک است.

۸ - **توقیع الحاج سید علی کرمانی** (صص ۲۸-۲۹): این توقیع بسیار مختصر است، اما متضمن نکات مهمه عمیق و به صراحت اشاره به مقام هیکل مبارک دارد و در جواب عریضه مخاطب صادر شده است. آیاتی از آن به شرح زیر است: "فان ذکر اسم ربک لهو الحق یهدیک الی صراط مستقیم هو انه لعلی علی کلمه عظیم ... و ان هذا صراط ربک فاسلکه بالحق فان الله ما جعل فی ذلک الیوم دون ذکر اسم ربک هذا شاهداً و نصیراً و اعلم لله کان الله لم یخلق دونک خلیلاً ... ان الذین یبایعون ذکر اسم ربک فانهم یبایعون الله و ید الله فوق ایدهم و کفی بالله علیّ ناصرأ و شهیداً." صراحت بیان مبارک در اشاره به مقام جلیل خود با تصریح به عنوان "ذکر اسم رب" و عنوان مقام "شاهد" و "نصیر" که از اصطلاحات قرآنی است^۳ استقلال ظهور را در این یوم جدید مصرح و مسلم میدارد. حاج سید علی کرمانی محرر (منشی) جناب سید کاظم رشتی بوده است و کسی است که در سفر حج با میرزا محیط کرمانی، از شاگردان جناب رشتی، به حضور رسید و رساله بین‌الحرمین در جواب سؤالات این دو نفس از قلم مبارک صادر شده است.

۹ - **الحاج سلیمان خان فی المدینه** (صص ۲۹-۳۰): مخاطب این توقیع دقیقاً شناخته نیست. جناب ابولقاسم افغان ایشان را همان حاج سلیمان خان شهید دانسته‌اند، اما در تاریخ امر بابی دو سلیمان خان دیگر نیز وجود دارند که هیچ یک شرافت ایمان را حاصل ننموده‌اند. توقیع با این آیات آغاز میشود: "ان هذا کتاب قد سطرت من ید الذکر هذا علیّ حکیم و انه لعلی علی صراط مستقیم." که اشاره به اسم **ذکر و علیّ و حکیم و صراط مستقیم** همه یادآور اشارات قرآنی و حاکی از مظهریت هیکل مبارک است، علی‌الخصوص که اسم علیّ در آثار مبارکه حضرت بهاء‌الله نیز رسماً به حضرت نقطه‌اولی اطلاق شده است. این توقیع بسیار مختصر و از ۶ یا ۷ سطر تجاوز نمی‌نماید. اشاره مختصری به آرزوی قلبی مخاطب توقیع شده که شاید این احتمال را که مخاطب همان جناب سلیمان خان شهید است تقویت می‌نماید.

۱۰ - **توقیع بعد اگرچه بدون عنوان است** (صص ۳۰-۳۶): ولی در شرح و بیان علم حروف است و فهم و درک مطالب آن موکول به تحقیق دقیق. شاید اهل اصطلاح به کشف دقائق آن اقدام توانند کرد. نکته جالب این است که این توقیع در هنگام سفر حج در کشتی از قلم مبارک

نازل شده و جالب‌تر این که اصطلاح معروف **نقطه‌البیان** در آن ذکر شده است. مقام بیان در آثار مبارکه باستناد حدیث جابر، که از امام باقر روایت کرده، عرفان ذات الهی است.^۵

۱۱ - **خطبه‌ای بدون عنوان** (صص ۳۶-۴۱): که بنا بر متن آن در روز جمعه از ایام شهرالبیضاء (محتماً ذی‌الحجه) که مصادف با ترک مکه و ورود به مدینه بوده از قلم حضرتش صادر شده است و کلاً در تجلیل مقام رسول اکرم می‌باشد. آیه زیر در باره آن حضرت است: "فمن وصفه باسم فقد قرن معه شیئی و من اقرن معه شیئی فقد اثبت معه غیره و من اثبت معه غیره فقد اخرج من شأن الله الذی قد شاء الله لنفسه و من ورد باب حرمة بالاشارة الی دونه فقد حجب عن ملاحظه لقاؤه ..."

۱۲ - **خطبه‌ای بدون عنوان** (صص ۴۱-۴۷): در توحید ذات الهی و ذکر اشتباه علماء و حکماء در موضوع ربط و ارتباط میان حق و خلق. در متن این اثر جلیل محل صدور آن جبل‌السوداء (احتمالاً کوه ابوقیس) در ارض حرمین (مکه و مدینه) ذکر شده است. در خاتمه، با تجلیل مقام پیغمبر اکرم و اوصیاء، یعنی ائمه اطهار خطبه پایان می‌یابد.

۱۳ - **خطبه مخصوص** (صص ۴۷-۵۱): در بیان شأن و مقام حضرت رسول اکرم که محتماً در راه بین مکه و مدینه در حال سواری صادر شده و در متن، اثر مبارک مزبور مورخ به تاریخ ۲۷ شهرالحرام (به احتمال قریب به یقین مقصود ماه ذی‌الحجه است) می‌باشد و حاکی از توجه و تجلیل از مدفن رسول‌الله و ائمه اطهار می‌باشد.

۱۴ - **الخط المسقط الی البیت** (صص ۵۱-۵۲): این توفیق خطاب به والده محترمه و با این آیات متضمن اظهار امر نیز می‌باشد: "تنزل الروح فی کلّ حین علی قلبی لنتلو کتاب ربک فیما یشاء بلسان عربی فصیح." این اثر، اگرچه هیمنه و صراحت خاص دارد، اما از خلال آیات عنایت و مرحمت مخصوص حضرتش نسبت به مادر مهربان و عموم اعضاء عائله استنباط می‌شود. این توفیق بسیار مختصر است.

۱۵ - **الخط المسقط الی سلمان** (صص ۵۲-۵۶): این توفیق در حقیقت ابلاغ به علماء است و در آن مخاطب را، که خود نیز از علماست، با بیانات "قل یا ایها الملاء من اهل القرآن ... و" و "ان ارسل مثل ذلك الكتاب الی بعض العلماء و ابشرهم بایام الله" به امر جدید دعوت می‌فرمایند و صریحاً ظهور جدید را تصریح و تأکید می‌فرمایند که "و ما یحلّ لاحد حکم الی بحکم ما نزلنا فی

الکتاب من قبل...^۶ و "أما المؤمن في كتاب ربك من آمن بالله و آياته و أتبع حكم الذكر من لدنا فاولئك هم المفلحون و ان هذا صراط ربك في السموات و الارض يلقي الامر من لدنا على قسطاس قويم." مخاطب این تویع بنابر تحقیق جناب ابوالقاسم افغان شیخ سلمان آل عصفور،^۷ امام جمعه بوشهر بوده است.

۱۶ - **خط المخا الى الخال في بوشهر** (صص ۵۶ - ۵۹): ظاهراً این اولین تویعی است که بعد از ترک مدینه و از منزل مخا^۸ نازل شده است و در آن مطالبی از قبیل اشاره به توقیعات و آثار مسروقه در مسیر حج و همچنین تغییر اراده مبارک از سفر به کربلا و مراجعت از طریق دریا مذکور است. ضمناً به بعضی مسائل مربوط به امور مالی حضرتش نیز اشاره شده است. در این تویع آیاتی از قبیل "ان الذين يؤمنون بآيات الله و يتبعون حكم الكتاب فاولئك هم المهتدون و ان الذين يكذبون بآيات ربك و اتبعوا هو اهم فاولئك هم في ضلال مبين ... من آمن فلنفسه و من اعرض فعليها و كان الله ربك لغنى عن العالمين و ان الذين يبايعون ذكر اسم ربك فانهم يبايعون الله يدالله فوق ايدهم و كان الله ربك بكل شئى محيطاً" دلالت بر اظهار امر بدیع دارد.

۱۷ - **الخط لملاحسين من المخا** (صص ۵۹ - ۶۰): این تویع مبارک حاوی اظهار عنایت و امر به صبر و عدم خوف از مشرکین و مخالفین است و او را به خطاب مخصوص "ان ابشر و لاتخف و انك لدى لمن المقربين" مفتخر میفرماید. این اثر یک صفحه بیشتر نیست.

۱۸ - **خطبة الجده** (صص ۶۰ - ۷۳): این اثر منیع که با "الحمد لله الذي قد اقام العرش على الماء و الهواء على وجه الماء..." آغاز می شود متضمن مطالب مهمه است و افکار و نظرات حکمای عارفین مانند ملاصدرا و فیض کاشانی در آن مورد ارزیابی و تصحیح و تکمیل قرار گرفته. ضمناً به آثار نورین نیرین شیخ احمد و سید کاظم نیز توجه فرموده اند و پس از آن شرح مبسوطی از تاریخ دقیق سفر هیکل مبارک به حجاز و مکه و مدینه و مراجعت از آن اماکن مقدسه با ذکر ایام و مدت اقامت و سفر مذکور فرموده اند. صدور آن خطبه جلیله در جده بوده، که آن را به "ارض حواء" تسمیه فرموده اند. در خاتمه این اثر مبارک اسامی و شرح تفصیلی از آثار و کتبی که در سفر حج از حضرتش سرقت شده آمده است. این خطبه بسیار پرهیمنه و جلال و متضمن مطالب مهمه عدیده است.

۱۹ - **خطبة قد انشأها علی البحر فی ذکر الحسین علیه السلام** (صص ۷۳-۸۱): این خطبه در باره جلالت شأن، حضرت حسین، و خاندان مبارک، مخصوصاً علی بن الحسین (احتمالاً علی اکبر) فرزند ارشد امام علیه السلام است.

۲۰ - **این اثر مبارک** (ص ۸۱): که از نصف صفحه تجاوز نمی کند خطاب عمومی به اهل عالم است و در آن صریحاً چنین آمده که "انّ الله لن يقبل من احد عملاً الا بعهد ذكر الله العليّ الحميد" و در آن صریحاً تشویق به ابلاغ و تبلیغ امر فرموده اند.

۲۱ - **اگرچه این اثر مبارک** (صص ۸۲-۹۴): در این مجموعه نام گذاری نشده، اما در نسخ دیگر عنوان آن "هذا كتاب الى العلماء" آمده است. این توقیع در حقیقت اتمام حجت و ابلاغ امر به علماست و همواره از آنان به عنوان "اهل الفرقان" یاد شده است. در ابتدای توقیع چنین نازل "انّ ذلك الكتاب حجة من بقية الله ربك لا يعزب من علمه شئى و له ما فى السماوات و ما فى الارض و انّ الموقنين فى حكم الكتاب له خاشعون. ان اتقوا الله يا اهل الفرقان ثم اعلموا انّ حجة الله بالغة عليكم بعد ما سمعتم أنّه من لدن عبدنا علیّ حکيم و لقد ارسلنا اليكم من قبل كتاباً فيه آيات بيّنات [محتماً قیوم الاسماء] من لدنا لقوم يوقنون و أنّه لكتاب قد نزل فى حکم باطن القرآن من لدنا علی صراط قويم" و "و ما من عبد منكم قد آمن بالله و بالقرآن و ما نزل فيه من عند الله و يعمل كل الخير ثم يكفرون بحرف من آياتنا الا و كان جزأ وهم جهنم بس المقعد فى حر نار قديم. ان اتقوا الله يا معشر العلماء من يوم كلّ الى الله تحشرون." در ضمن این توقیع به عدم تحصیل هیكل مبارک در نزد علماء دینی تصریح فرموده و خود را "انه لامىّ علی هذا الشأن و اعجمىّ علی هذا الصراط و احمدىّ من ذرية رسول الله صلى الله عليه و آله فى حکم لوح حفيظ و يشهد كلّ ذى عقل انّ مثل حکم تلك الآيات ما ينزل الا من الله العزيز الحكيم" معرفی میفرمایند. در این اثر منبع به کتاب الحرمین [رسالة بين الحرمین] و کتاب الروح نیز اشاره و استناد می فرمایند و بر اساس قرآن مجید بانان انجام مباحله^۱ را پیشنهاد می نمایند و با این آیه آن را تأکید می فرمایند: "ان لن تفعلوا و لن ثمنوا قد نزل الله حکم الخالص بیننا و بینکم لکم و دینکم ولی دین" و بالاخره با این آیه حجت و برهان را کامل و واضح فرموده اند: "لقد كفر الذين قالوا ان كلمة الله [نفس مبارک] يأخذ من القرآن آياته قل يا ايها الملاء ان اتقوا الله و اتوا بسورة من مثله ان كنتم على اخذ الآيات من الكتاب لقاديرين قل لو شئنا لننزل فى كلّ حرف مثل آيات القرآن و

كان الله ربك لقوى عزيز." در این توقیع اشاره مختصری نیز به اسفار تبلیغی حروف حی و مخصوصاً جناب ملاعلی بسطامی به عتبات و ابلاغ امر و استکبار علما نیز شده است.

۲۲ - **خط جناب ملا عبدالخالق سلمه الله** (صص ۹۴-۱۰۲): این توقیع در حقیقت در باره وقوع بدا در اجتماع اهل ایمان در عتبات است که از قبل حضرت نقطه آن را مقرر و معین فرموده بودند و علت آن را جحد و انکار عمومی علمای ساکن عتبات بعد از ملاقات جناب ملا علی و ابلاغ خبر ظهور ذکر فرموده‌اند، و با استشهاد به این آیه قرآنی در مناجات که "اللهم انك لا تتغير على قوم نعمتك حتى يغيروا ما بانفسهم من حكمك" آنان را محکوم و محروم می‌شمارند و عدم رضایت حضرتش را با آیات قهریه و اظهار شکایت به آستان الهی اظهار میدارند. مخاطب این اثر به احتمال قوی آخوند ملا عبدالخالق یزدی است. اثر مزبور به شأن مناجات است.

۲۳ - **جواب مراسله عبدالجواد** (صص ۱۰۲-۱۱۱): این اثر مبارک به لحن مناجات و کلاً در توحید و تمجید ذات باری تعالی است و مخاطب را مشمول عنایات مخصوصه فرموده و او را به این آیات ستوده‌اند: "عبدك الذي جعلته وجهاً لمعرفتك و سلماً للعود اليك وها اناداً يا الهی اعترف لديق بانه اول مؤمن في ذرّ الايجاد و ثاني مظهر في عزّ الفؤاد و انه القائل بالبداء في حكم الامضاء فاحفظه اللهم من موارد الاشارات و التبيان و اغفر اللهم لمن سئل الحكم من جنبه على كلمة الايجاب فاشهد انه مؤمن بك و بأياتك و لا يعلم حقه الا انت انك بكلّ شئ عليم." محتملاً مخاطب این توقیع جناب آقا سید جواد کربلائی است.

۲۴ - **جواب بیست مسئله** (صص ۱۱۱-۱۲۰): این اثر، که نیز به لحن مناجات است، در جواب مسائلی است که اکثراً مربوط به تبیین بشارات ظهور و اعمال و عبادات مسنونه و مطالب مختلفه متفرق است و چون در آن ذکر شهر صیام آمده، احتمالاً در رمضان ۱۲۶۱ نازل شده است. نکته جالب توجه این است که جوابهای صادره از قلم مبارک اکثراً به لحن و سبک مناجات می‌باشد.

۲۵ - **و من دعائه عليه السلام في سجدة الشكر على مسئلة ملا عبدالجليل** (صص ۱۲۱-۱۲۳): این اثر، که به لحن خطبه است، نسبتاً مختصر و به ذکر حضرت سیدالشهداء مخصوص شده است، و چنانکه در عنوان مذکور شده خطاب به ملا جلیل خوئی، از حروف حی، می‌باشد. مضمون مطالب حاکی از مسائل روحانی به لحن رمز و اشاره است.

۲۶ - و من دعائه علیه السلام فی مسئله ملا احمد خراسانی معلّم و دعبل و ابن میرزا علی الاخباری (صص ۱۲۳-۱۳۰): مخاطبین این اثر، که به لحن مناجات است، ملا احمد معلّم حساری و دو نفر دیگر هستند که هویت آنان عجاله معلوم نیست. به سئوالات آنان، مخصوصاً ملا احمد و ابن علی، نیز به کیفیت اشاره و ابهام جواب فرموده‌اند. فقط در خصوص دعبل، که تنها اطلاع راجع به او این است که از اعراب آن حدود بوده، جوابها صراحت بیشتری دارد، ولی مخصوصاً حضرتش آن را بر اساس "سبیل حکمت" بیان فرموده و به استدلال و بحث توجه نفرموده‌اند. ظاهراً سئوالات مشارالیه در باره اخبار وارده در خصوص ظهور قائم بوده است، که هیکل مبارک به طور ضمنی همراه با بیان مطالب مورد سؤال مقام قائمیت را اظهار فرموده‌اند. در حق سائلین در خاتمه چنین مناجات فرموده‌اند: "وَقَفَى اللَّهُمَّ عِبَادَكَ الْمُخْلِصِينَ بِتِلَاوَةِ آيَاتِكَ وَ حِفْظِ مَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِكَ كُلِّهِ وَ مَا يَنْزِلُ مِنْ بَعْدِ فِي أَيَّامِكَ. أَنْتَ تَعْلَمُ كُلَّ شَيْءٍ وَ لَا يَعْزُبُ مِنْكَ عِلْمُ شَيْءٍ وَ أَنْتَ لَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ" که خود مؤید اظهار مقام هیکل اظهر بوده است.

۲۷ - جواب سئوالات میرزا محمّد هادی و میرزا محمّد علی سلّمهما الله تعالی (صص ۱۳۰-۱۳۹): ابتدای این اثر جلیل با مناجاتی توحیدی آغاز میشود که بسیار مهیمن و مشحون به مراتب عالیّه فلسفه و عرفان معنوی است. آیات زیر در عین اظهار محویت و عبودیت متضمّن اظهار امر و اعلان ظهور است: "اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعْلَمُ مَا أَدْعَيْتَ فِي شَأْنِ وَ لَا فِي حَرْفٍ مِنْ آيَاتِكَ إِلَّا كَلِمَةَ التَّقْصِيرِ لِنَفْسِي وَ مَا كُنْتُ مَفْتَرِي عَلَيْكَ وَ قَدْ اْتَمَمْتُ حُجَّتِي لِمَنْ عَلَى الْأَرْضِ بِأَيَّةٍ وَ أَحَدَةٍ وَ كَفَى بِكَ عَلَى شَهِيدِ اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ عَمَّا افْتَرَى الظَّالِمُونَ عَلَى فِي كَلِمَاتِكَ مَا كَتَبْتَ وَ لَا نَطَقْتَ فِي شَأْنِ حَرْفٍ مِنْ حُجَّتِي عَلَى النَّاسِ إِلَّا بِلِسَانِهِمْ وَ قَوَاعِدِهِمْ إِلَّا مَا وَقَعَ مِنِّي بِحُكْمِ فَضْلِكَ مِنْ غَيْرِ مَلاحِظَةِ الْحُدُودِ وَ مَا يَسْتَدَلُّ الْقَوْمُ فِي طَرُقِ الْمَنْضُودِ ... " مخاطبان این توقیع که به لحن مناجات است دو فرزند آقا میرزا عبدالوهاب قزوینی میباشند که به اسم پدرشان نیز در این اثر اشاره شده و هر دو جزء حروف حی بشمار آمده‌اند. ظاهراً یکی از سئوالات مشارالیهما استجازه در باره مباهله بوده که آداب آن را به شرح زیر توصیف فرموده‌اند که باید در هنگام صبح نخستین تا هنگام طلوع خورشید انجام شود. آداب آن چنان است که انگشتان دو دست خود را در هم فرو برده، سپس چنین مناجات نماید "اللَّهُمَّ إِنْ فَلَانًا إِنْ كَانَ جَدَّ حَقًّا وَ اَقْرَبًا بِبَاطِلٍ فَاصْبِهِ بِحِسَابِ مَنْ السَّمَاءِ وَ بَعْدَابِ مَنْ عِنْدِكَ." هفتاد مرتبه این آیه را تلاوت نماید که مفهوم آن اینست که "خدایا اگر فلانی انکار حقّ و اقرار به باطل نماید او را به آتشی از آسمان و یا به عذابی از حضرتت بگیر."

بالاخره، در خاتمه در جواب سؤال این دو برادر که از آداب و حکم سلوک به سوی حق سؤال کرده‌اند، آنان را به مراجعه و استفاده از شرح مبسوط در این خصوص در صحیفه بین‌الحرمین هدایت می‌فرمایند.

۲۸ - **و من دعائه علیه السلام فی مسئله ملا ابراهیم محلاتی** (صص ۱۳۹-۱۴۵): این اثر مبارک، که به لحن دعا و مناجات نازل شده و متضمن مباحث توحید و تحمید ذات الهی است، در جواب پنج سؤال جناب حاجی ملا ابراهیم محلاتی است که از اصحاب جناب طاهره و بعد از واقعه قتل حاجی ملا تقی برغانی به شهادت رسیده است. سؤالات پنجگانه مشارالیه در این توفیق به لحن ایما و اشاره مذکور آمده و احتمالاً از قیاس به جواب آنها در باره مقام حضرت نقطه، نورین نیرین، اول من آمن و تکالیف شرعی و بالاخره طلب تأیید در نصرت امر الهی بوده است.

۲۹ - **جواب عریضه علویة المؤمنة القزوينیه** (صص ۱۴۵-۱۵۲): از این عنوان تصور این می‌رود که این توفیق، که ایضاً به لحن مناجات است، خطاب به جناب طاهره باشد. مطالب آن حاکی از شدت مخالفت و معاندت ایام شیراز بعد از حج است. ظاهراً سؤال مشارالیه نسبت و ارتباط ظهور مبارک که از آن به "کلمه بدیعه" یاد فرموده‌اند با جنابان شیخ احمد و سید کاظم است و سپس این چنین بیان می‌فرمایند که "ان النسب و الاضافات و السبل و الاشارات منقطعة بینی و بینهما ... و سپس در شأن مقام خود می‌فرمایند: "فاشهد لیدیک یا الهی بانی عبد قد امنت بنفسک وحده لا شریک له و لا وزیر و لا شیهه لکلمتک و لا نظیر و انک انت العلیّ الکبیر و ما ادعیّت فی شأن الآّ العبودیة المحضه و الکلمة المنقطعة و لا یستحقّ العلوّ و العظمة الاّ لنفسک وحده و کلّ ما سواک خلقک و فی قبضتک و انک علی کلّ شیئی شهید." سؤال دیگر مشارالیه در مورد حدیثی است از حضرت صادق که اگرچه دقیقاً ذکر جزئیات آن نشده و محتاج به تحقیق و تجسس است، اما به نظر می‌رسد آن هم در مورد موعود منتظر اسلام است. بالاخره در آخر توفیق در مناجاتی مخصوص حفظ و صیانت او را از دشمنان دعا می‌فرمایند که از ذوی‌القربا و خویشان اذیت و آزاری نبیند و از آنان حرف و کلام دوری و مخالفت نشود.

۳۰ - **جواب میرزا محمد علی نهری** (صص ۱۵۲-۱۵۳): این توفیق که ایضاً به لحن خطبه است مملوّ از اصطلاحات و اشارات رمزی و در عین کمال لطافت متضمن اظهار مقام مظهریت است و در خاتمه آن چنین نازل: "الحمد لله الذی بین ما شاء و فصل ما اراد لعهده لئلاّ یقول احد لو عرفنی الله آیاته لکنّت من الموقنین." این اثر از لحاظ حجم بسیار مختصر است.

۳۱ - **جواب مسئله کربلائی علی اصغر خراسانی** (صص ۱۵۳-۱۵۴): این اثر به لحن مناجات و متضمن اظهار امر جدید است، چه که میفرمایند: "اللهم حکمک عدل و قضائک حتم و لا مردّ لامرک و انه لغنی عن العالمین جمیعاً. فاغفر اللهم لمن ورد بابک و زار کلمتک و أتبع آیاتک فانک جواد منان ..."

۳۲ - **و من دعائه فی جواب مسئله ملا محمود و میرزا محمد علی نهری و بعض من المؤمنین**

(صص ۱۵۴-۱۶۱): این اثر بسیار عمیق و دقیق و متضمن جواب سئوالات مختلفی است که تحقیق مطالب آنها از امکانات این فهرست خارج است. از جمله این سئوالات مفهوم آیه قرآنی "یحو الله ما یشاء و یشئ و عنده ام الكتاب" (الرعد/۳۹) است که حضرتش آن را با مسئله "بداء" مربوط و تأیید فرموده است. موضوع دیگر در باره آیه "ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعدة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن" (النحل/۱۲۵) است که دلیل حکمت را شایسته شأن انسانی معرفی فرموده و دو دلیل و روش دیگر را حائز اهمیت و ارزش کمتری ذکر فرموده اند.

۳۳ - **و من دعائه علیه سلام فی مسئله سید جعفر شیر** (صص ۱۶۱-۱۶۸): قسمت اعظم این دعا در باره امتناع شناسائی و ستایش ذات الهی است، و در خاتمه مطلب می فرمایند: "و بحقک العظیم الذی لا اله الا انت لو تعذبنی بکل قدرتک جزاء لتوحیدی نفسک لقد کنت مستحقاً بذلک و انک المحمود فی فعلک و انک انت العلیّ الکبیر."

حضرت نقطه در این اثر به شدت و عظمت امتحانات الهی و جواز تقیه بنابر حدیث امام محمد باقر اشاره فرموده و آن را به ایام ظهور خود مرتبط فرموده و آن را برای اهل ایمان جائز و مقرر دانسته و در کمال ستر و خفا امر خود را نیز اظهار فرموده اند. مخاطب این دعا، تا آنجا که از متون تاریخ مستفاد توان داشت، از مؤمنین اولیه عراق است، ولی ظاهراً ذکر چندانی از او باقی نمانده و احتمالاً بعدها مایوس و محروم شده است.

۳۴ - **۱ م ع یا علی مدد** (صص ۱۶۹-۱۷۰): این تویح مختصر به زبان فارسی است و در آن نفی ادعای بابیت امام (قائم موعود) را از خود فرموده اند و علت و کیفیت آن را شرح و توضیح فرموده. مطلب کلاً راجع به اعتقادات متداوله شیعه می باشد. ضمناً، نزول آیات به طور فطری و لدنی را تصریح فرموده اند. مفهوم "۱ م ع" که حروف مقطعه است محتاج تحقیق دقیقتری است،

ولی شاید حروف اول "الله محمد علی" باشد که متضمن اظهار اصول دین، یعنی توحید و نبوت و امامت است. این حروف در بعضی دیگر از صفحات این مجموعه نیز آمده است.

۳۵ - صورت مکتوب میرزا محمد ابراهیم شیرازی در بندر بوشهر نازل شده (صص ۱۷۰-۱۸۰): این توقیع به زبان فارسی است و کلاً در باره استدلال به ظهور مبارک و دلائل محسوس و منطقی است و مخصوصاً به نزول آیات تحدی نموده اتمام حجت میفرماید و استغناى حضرتش را از خلق و ایمان آنان تصریح فرموده‌اند. به قسمتی از این توقیع ذیلاً استشهاد می‌شود: "حکم صاحب این امر از دو مرحله خارج نیست، یا حق است فطوبی لمن اتبعه یا باطل فالویل لمن عرفه و احبه و شکی نیست از برای هر حق و باطل خداوند عالم علامتی معین فرموده که بآن تمیز داده می‌شود و این علامت تصدیق و تکذیب ناس نخواهد بود ... حال مردم از کسی که مدعی امری است حجت می‌خواهند. چه حجت از این عظیم‌تر است که در عجم خداوند عالم کسی ظاهر فرماید بلسان قرآن که اگر جمیع اهل ارض جمع شوند نتوانند حرفی از کلمات او را بفهمند، چه جای اینکه اتیان به مثل نمایند ... از روزی که این امر ظاهر شده عمل کل خلق باطل است، الا بعد از تصدیق و این حکم خداوند است. هر کس می‌خواهد تصدیق کند از برای خودش است. هر کس هم تکذیب کند عقوبت به خودش می‌رسد ..."

این توقیع ظاهراً در جواب اعتراضات و مخالفت‌های میرزا ابراهیم شیرازی است که با ملاجواد برغانی و ملاعبدالعلی هراتی هم‌دست و هم‌فکر بوده، اما مخاطب متن توقیع، چنانکه در نسخه دیگر آمده، جناب حاجی میرزا حسنعلی، خال اصغر، بوده است.

۳۶ - هذا کتاب نزل علی اقتضاء حامل نداء الثانی نداء ابلیس من الارض کلاً تمد هولاء و هولاء من عطاء ربک (صص ۱۸۰-۱۸۲): این توقیع که از عنوان آن میتوان دریافت که خطاب به یکی از مخالفین و معاندین ایام شیراز، و احتمالاً مقصود ملا جواد خوار است، متضمن این مفهوم است که حضرتش تکلیف اطاعت و تبعیت مردم از آثار و آیات نازل از حضرتش را رفع و نفی فرموده، اما به نزول آیات و اظهار علوم و معارف روحانیّه از قلم خود تصریح فرموده‌اند.

۳۷ - صورت جوابی که نازل شده در بیان آیه نازل شده و علة عدم مباحله (صص ۱۸۲-۱۸۸): مخاطب این اثر مبارک که به لحن مناجات است معلوم نیست، اما احتمال این است که در باره افراد گروه سه‌نفری است که در شیراز متعاقب بداء اجتماع در عتبات و تفویض امور به

جناب ملاحسین به مخالفت پرداختند. در این مناجات حضرت نقطه روش مجادله بر حسب آداب و اصول علماء را مردود شمرده و خود را از علوم ظاهره آنها بری دانسته‌اند و مجادله منظور در قرآن^{۱۲} را بر حسب توضیح قرآن در "فأتوا بحديث مثله ان كنتم صادقين" تبیین فرموده‌اند. ضمناً به پیشنهاد مباحثه که از طرف ملاجواد خوار عنوان شده جواب منفی فرموده‌اند.^{۱۳} اگرچه در متن تویق و عنوان ذکری از آیه مورد سؤال نیامده، اما از فحوای مطالب تویق و آثار دیگر محتملاً سؤال در باره آیه نازل در سوره مدینه (قیوم الاسماء/۴) که متضمن تمثیل به دو نفس (نفسین) است بوده است.^{۱۴}

۳۸ - صورت جوابی که در ثانی نازل شده بجهت اشخاصی که در مقام مجادله

برآمدند (صص ۱۸۹-۱۹۲): از مطالب مذکور در این تویق و عنوان آن چنین برمیآید که این اثر در حقیقت دنباله و مکمل تویق قبلی است. مفهوم بیانات مبارک در این اثر آن است که آیات نازل از حاکمی از ربوبیت و مظهریتی است که در مقام عبودیت حضرتش به ودیعه گذاشته شده و شک نیست اگر نفسی در وجود خویش شانی که ممتاز از شئون خلق باشد ملاحظه نماید به یقین باید به فضل الهی اقرار نماید و آن را اظهار فرماید و اگر کسی مدعی شود که این از شئون نازل از رتبه فوآد نیست، بلکه از شئون ماهیت است که سبب تنزل و هلاکت خواهد شد، جواب این است که "فلیأتوا بحديث مثله ان كنتم صادقين" و سپس مخاطب را (احتمالاً ملاجواد خوار) را به این استدلال متذکر میدارند که اگر تواند که بدون تأمل و فکر و بدون سکون قلم به صدور آیات پردازد، در این ادعا صادق و مصاب است، و گرنه چه بهتر که استغفار نماید و به حکم حضرتش تمکین کند زیرا از این استدلال گزیری نیست، چه که مستند به کتاب الهی است.

۳۹ - جواب دیگری باقتضاء منادی ثانی نازل شده (صص ۱۹۲-۱۹۴): شاید این توضیح

مفید باشد که مقصود از منادی ثانی ابلیس است، چه که بنا بر احادیث اسلامی در روز ظهور قائم موعود جبرئیل ندا میدهد که قائم بحق ظهور فرموده و متعاقباً ابلیس نیز آواز میدهد که حق با عثمان و فرزندان اوست. این تویق به زبان فارسی است و اساساً در جواب سئوالات شرعی و تقاضاهای مخاطب است که محتملاً بطور حضوری از هیکل مبارک استفسار و استدعا کرده است. در ابتدای این تویق این بیان مبارک زیارت میشود "آنکه طالب هستی که قادر بر جمیع رموز و عالم بکل علوم بر نهج تفصیل باشد خداوند عالم و اولیاء او شاهد هستند که من نبوده و نیستم. اگر در مقام توحید ذکر مقامی با علم بکل علوم شده بسبب عظمت مقام تفرید است، که کل اشیاء

نزد او خاضع و معدوم‌اند و کفی بالله شهیدا." که فی الحقیقه اظهار امر به زبان منطق و عقل و مستند به اصول و اساس حقیقت است.

۴۰ - این توقیع (صص ۱۹۴-۱۹۷): به زبان فارسی و در عنوان ذکری از مخاطب نشده، اما احتمال آن است که به یکی از بزرگان منسوبان حضرتش باشد. در این اثر رفع تکلیف از همگان شده است. بروز و صدور آثار و آیات فطری و الهامی را از عنایات و تجلیات الهی بر نفس خود دانسته ولی آنها را متضمن حکمی برای دیگران نفرموده‌اند و علت اصدار توقیع را که دفع فتنه و انقلاب است تأکید فرموده‌اند.

۴۱ - این توقیع (صص ۱۹۷-۱۹۹): نیز به زبان فارسی است ولی عنوان ندارد، اما متضمن اظهار مقام و عظمت ظهور مبارکش است. مفهوم آن را با این استشهاد بهتر میتوان دریافت که میفرمایند "هو العلیّ الکبیر. امر مستور که رکن است موهوم تصور نشود. اگر در جایی ذکر مقامی یا علم بکلّ شیئی ذکر شده بواسطه عظمت مقام توحید بوده، که کلّ مقامات نزد آن خاشع و معدوم است. این امر از جهت تحصیل ظاهر نشده ... خداوند عالم گواه است قادر بر هیچ خارق عادتی نیستیم و احتیاج هم نیست، زیرا اتیان به حجتی شده که کلّ آیات نزد آن مضمحل است و دلیل فطرت محض است که بلا تأمل میگوید و بلاسکون مینویسد ... از موسی سؤال شد در طور از کجا یقین میکنی که کلام حق است. گفت از آنکه از شش جهت می‌آید و شبیه کلام عباد نیست. حقیر هم در لسان خود این قسم قدرت را دیدم، فکر کردم خداوند عبث نگذارده و شبه کلام بشر نیست، یقین حجت است ... خدا گواه است که هر گاه ذره ذلت از برای نفسی در این امر میدانستم امر اظهار نمی‌کردم و کفی بی شهیداً و الحمد لله رب العالمین."

۴۲ - این خطبه (صص ۲۰۰-۲۰۲): که بنا بر بیانات نازله در آن در ارض مخا نازل شده حاکی از اظهار امر و ابلاغ آن به عموم است. خطاب "یا ایها الحیب" که در آن آمده احتمال اینکه خطاب به جناب قدّوس یا جناب باب‌الباب باشد تقویت مینماید. ضمناً رسول که ذکر او در آیه خطاب به حیب آمده محتملاً مربوط به جناب ملاًعلی بسطامی است. حضرت نقطه بعد از ابلاغ و اعلان امر به مخاطب امر میفرمایند تا کتابی در اثبات ظهور مشتمل بر آیات قرآنی و احادیث ائمه اطهار تدوین و تکمیل فرماید.

اگرچه حق مطلب در باره آثار مبارکه موجود در این مجموعه بجا آورده نشد، با اینهمه به چند نکته قابل توجه اشاره می‌شود:

۱ - در مواردی که اجابت سؤال مؤمنان با عنایت و مرحمت حضرتش توأم بوده، عموماً جواب را به اسلوب و شأن مناجات صادر فرموده‌اند و این کیفیت در تمام دوره حضرت نقطه معمول و متداول بوده است.

۲ - حضرت نقطه اولی در دوره شیراز، نظر به تعهدی که خال اعظم سپرده بودند که حضرتش از پذیرفتن اهل ایمان و ارادتمندان خودداری فرماید، جواب امور و مسائل دینی را به جناب ملاحسین و در بعضی موارد به ملاعبدالخالق یزدی تفویض فرموده بودند.

۳ - مطالبی که در خلال توقیعات و آثار مندرج در این مجموعه آمده کلاً مسائل روحانی و تفسیر و تبیین حقائق معنوی است، و هیکل مبارک از مسائل تشریحی و اجرائی به ندرت ذکری فرموده‌اند.

۴ - کلیه آثار این مجموعه شامل بر آثاری است که بعد از ترک حجاز (حدود محرم ۱۲۶۱) تا رمضان همان سال از قلم مبارک نازل شده است. البته باید متذکر بود که این نکته ضرورتاً بدین معنی نیست که آثار صادره در این دوره منحصر به همین تعداد می‌باشد.

یادداشت‌ها

۱ - در ابتدای این نسخه سالها بعد یادداشتی اضافه شده که حاکی است که مجموعه مزبور به دستخط جناب ملاحسین است. به نظر می‌رسد این استنتاج از عنوان اولین اثر که با مطلبی به این صورت "خط ملاحسین" آغاز می‌شود بدست آمده است، و به احتمال قریب به یقین صحیح نیست. مشابه همین نحوه معرفی مخاطبین در سایر توقیعات و آثار مندرج در این مجموعه نیز دیده می‌شود. در این مورد خط به معنی خطاب و یا نامه و اسم معرف مخاطب آن است.

۲ - تسمیه این نصوص بنا بر اشاره به آیه مبارکه قرآن مجید در باره گوساله بنی اسرائیل است که در باره آن چنین آمده است "عجلاً جسداً له خواراً" و به همین سبب ملا جواد، که شهرت بیشتری دارد، در آثار مبارکه به لقب خوار معروف است.

۳ - "شاهد" از القاب پیغمبر اکرم وارد در قرآن است، که در سوره احزاب، آیه ۴۵ نازل "يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِيراً" و "نصیر" از اسماء الهی است که در سوره بقره، آیه ۱۰۷، چنین نازل "وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ".

۴ - لفظ "ذکر" در قرآن به مناسبتها و معانی مختلف آمده و بر قرآن و بر مظهر الهی هر دو اطلاق شده است. از جمله در سوره ص، آیه ۸۷ می فرماید "إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ". الفاظ "علی" و "حکیم" به صورت مرادف در قرآن آمده و یکی از موارد آن در سوره زخرف، آیه ۴، به این صورت است که "وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ" که اگرچه مفسرین آن را به قرآن مجید تفسیر کرده اند، اما با توجه به اینکه اشاره به امّ الکتاب شده، شاید تفسیر آن به مظهر ظهور اولی و اصبح باشد، و بالاخره "صراط مستقیم" مکرر در قرآن آمده و مقصود از آن تبعیت از حق و مظهر ظهور اوست.

۵ - به لوح مبارک خطاب به شیخ محمدتقی اصفهانی نجفی، مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۱۹ بدیع، ص ۸۳ رجوع شود.

۶ - مقصود از کتاب در این مقام کتاب قیوم/الاسماء می باشد.

۷ - این تویق در کتاب عهد/علی، صص ۹۷ - ۹۸، نیز نقل شده است.

۸ - مخا: بندری در ناحیه عدن که محل دخول و خروج به سرزمین حجاز از طریق عدن و یمن بوده است.

۹ - عهد/علی، جلد اول، صص ۱۰۷ - ۱۱۱.

۱۰ - مباحله: مبتنی بر تورات و قرآن به مفهوم آنکه دو نفر که با هم اختلاف در امر دین دارند به دعا و تضرع دخالت الهی را در احقاق حق و محو و اهلاک باطل بطلبند (به آیه ۶۱ سوره آل عمران رجوع شود).

۱۱ - آیه قرآنی: سوره الکافرون (۱۰۹)، آیه ۶.

۱۲ - بر اساس آیه مبارکه قرآن "ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ" (سوره نحل، آیه ۱۲۵).

۱۳ - در این خصوص می توان برای اطلاعات بیشتر به ظهور/الحق (ج ۳)، ملحقات، رساله جناب طاهره مراجعه نمود.

۱۴ - در خصوص تأویل و تفسیر این آیه به لوح حضرت عبدالبهاء (در مائده آسمانی، ج ۹) مراجعه شود.